



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

حامل متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سوالات

شنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۲۹

روزنامه یوتیه
میر: سید محمد شاهی

سال ششم - شماره ۱۵۶۵

صفحه ۱

شماره مسلسل ۴۲

دوره شانزدهم قانونگذاری

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۴۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۸ تیرماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - اخطار نظامنامه ای آقایان: دکتر مصدق - جمال امامی - آشتیانی زاده و تصویب ورود در دستور
- ۳ - طرح برنامه دولت آقای رزم آراه نخست وزیر
- ۴ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

* * *

مجلس دو ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

رئیس - صورت غائبین جلسه گذشته قرائت
میشود •

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان صفوی ، اورنگ ، جواد
عامری ، عبدالصین مجتهدی ، ابوالقاسم امینی ،
امیر نصرت اسکندری ، ابوالفضل حاذقی - طباطبائی
دکتر راجی ، ابوالحسن رضوی ، حائری زاده ، صدر
میر حبیبی •
غائبین بی اجازه - آقایان دکتر مصباح زاده -
ابوالفتح قهرمان - حسن اکبر - دکتر احمد سید امامی -
لطفعلی معذل - جواد سعیدی
در آمدگان با اجازه - آقایان ابوال
ساعت •

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: تولیت یکساعت
و ۲۰ دقیقه ابریشکار ۲۰ دقیقه
رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست ؟
شوشتزی - در عرض بنده نسبت در بونه اختصار
بونه اختصار نوشته اند استدعا دارم که اصلاح شود
ضمناً از مقام ریاست استدعا دارم سؤالاتی که از دولت
راجع به اراضی اطراف طهران سؤال کرده ام سابق برای این
دولت فرستاده که زودتر جوابش داده شود •
رئیس - دیگر نسبت بصورت مجلس نظری
نیست ؟ (گفته شد - خیر) صورت جلسه قبل تصویب شد
۲ - اخطار نظامنامه ای آقایان: دکتر
مصدق ، جمال امامی ، آشتیانی زاده
و تصویب ورود در دستور

دکتر مصدق - اخطار دارم

آشتیانی زاده - من اخطار دارم

جمال امامی - بنده اخطار دارم

رئیس - آقای دکتر مصدق بفرمائید

دکتر مصدق - اخطار بنده روی ماده

۲۰۱ استولی بایک توضیحاتی در دوره پنجم تقدیم بل

در کبسون دادگستری عمده ای بودیم که مشغول تجدید

نظر در قانون جزائی بودیم مرحوم مشیرالدوله هم

بودند و هنوز دیکتاتورری بنام معنی شروع نشده بود

و مقدمتش شروع شده بود در اطلاق نسته بودیم

دیدیم که جمعیت می آید، جمعیت می آید • من

بمرحوم مشیرالدوله گفتم برویم گفت که این ماده

را تمام میکنیم بعد برویم نشستیم ماده را تمام کنیم

جمعیت ریخت توی مجلس و بطور کلی همه و گلایه

زدند مرحوم مشیرالدوله فرارچکرد بسوی کتابخانه

و در آنجا دچار توهین واقع شد ما هم از همین طرف

در بالارقتیم منزل قائم مقام آنجا بودیم تا جمعیت متفرق

شدند و ما هم رفتیم امروز هم این وضعیت همینست

میشود یک جمعیت چاقو کش را شهربانی اجازه می

دهد که در محوطه مجلس وارد بشوند و زنده باد

بگویند زنده باد برای اشخاصی بگویند که باید

برای آنها مرده باد بگویند آن روزی که ما گفتم

باید شهربانی رئیسش منفصل نشود و موازنه سیاسی

برقرار باشد برای این بود که ارتش دخالت در کار

سلطنت نکند و ارتش برود بوظیفه نظامی و ارتشی

خود عمل میکند نه اینکه ارتش رئیس شهربانی را

بردارد و یک ارتشی و یک افسری را در آنجا بگیرند

که بنام معنی تابع حکم ستاد ارتش باشد نظر ما

این بود امروز هم آن مقدمات دلدرد تجدید میشود

رئیس شهربانی جزو ارتش رئیس راه آهن جزو ارتش

معاون نخست وزیر جزو ارتش سیم مستقل ریاست

وزراء با ستاد ارتش مستقیماً برقرار است

• من مذاکرات مشروح جدول دومین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

«روزنامه رسمی»

مجلس قبل از اجابت گرفتار ولی وقتیکه وادیو
لین اظهار امیدواری برای آنجا میکنند آن فاسد
قبل از اجابت نکرده است خوب اگر من اطلاع
ندارم که نخست وزیر ایشان چگونه خواهد بود
این جاسوس و مخبر رویت را رادپوی لندن از کجا
خبردارده این را سؤال میکنم اگر جواب باین دادید
هرچه میفرماید بگوئید آنها از کجا خبر دارند؟
ایشان که نخست وزیر نبودند من که یکسال و نیم پیش
پیش بینی کردم که سیاست انگلستان ایشان را در اینجا
خواهد نشانده من قاص قبل از اجابت کرده ام ولی
رادپولتنن که میگوید ایشان ایران را بهشت خواهند
کرد دوران جدید تاریخ ایران آغاز میشود چه
میشود چه میشود قاص قبل از اجابت نکرده است
(معمودی - کفایتشان را در سایر مقامات دیده اند آقا)
بنده هم پرونده سازی ایشان را دیده ام میدانم
(خنه نمایندگان) در هر صورت صحبت در این بود که
عرض کردم وقتی افکار عمومی امریکا از این امر مطلع
شود آنوقت اوضاع طور دیگر خواهد شد عرض کردم
خدمت آقایان که گول حرفهای صدای آمریکا را
نغورید صدای آمریکا را برای ما بغش میکنند
برای خودشان از این خبرها نیست اینها با تمام ظاهر
بآزادی و تمام این چیزهایی که هست سیاستمداران
با کمال دقت اخباری که ممکن است برخلاف سیاستمداران
باشد انتشارش را در امریکا جلوگیری میکنند یک
نمونه کوچک آنرا خدمت آقایان عرض میکنم ، یک
نمونه خیلی کوچک میدانید در این مملکت در چند ماه
پیش هزار بار کشتند قاتل هم دستگیر شد یک عده ای
هم بعنوان شریک جرم قاتل یعنی من ، حائری زاده
مکی ، آزاد بنوان شرکت در توطئه قتل هزار دستگیر
شدیم و پیشوای ما یعنی آقای دکتر مصدق را
تبعید کردند این البته برای آقایانی که مشغول
زد و بندهای خصوصی بودند خبر مهمی نبود ما رقیب
بسی ولی دنیای متدین خیلی از یک چنین چیزی
متأثر میشوند که چهار نفر و کلای اقلیت یک دوره ای را
با تنها فرد مجاهدی که از بیرون باینجا کمک کرده بود
و مانع یک خیانت بزرگی شده بودند اینها را بجرم
قتل بگیرند حبس کنند این یک خبری است که اگر
ما با کمال خونسردی می شنویم در دنیای متدین پشت
همه از این خبر میلرزند این خبر در تمام روزنامه های
اروپا منعکس شد سوئیس ، فرانسه ، دانمارک ، سوئد
هلند حتی انگلستان ، ایتالیا تمام این جاها در بعضی
از روزنامه ها هم اظهار نظریاتی شد اما در روزنامه های
امریکا حالا من تمام روزنامه های امریکا را نمیتوانم
بگویم چون از همه آنها خبر ندارم ولی روزنامه های
درجه اول امریکا یعنی روزنامه های که خواننده زیاد
دارد ، تیراژ زیاد دارد روزنامه های که در سال ملیونها
دلار خرج میکنند که اخبار جالب توجه را از گوشه و
کنار دنیا جمع آوری کنند در این روزنامه ها یک کلمه
منعکس نشد این مسئله را خواهم میگویم آقایان
توجه بکنید یک کلمه منعکس نشد حتی در روزنامه های
انگلستان منعکس شد ولی در امریکا نشد . این برای
آن بود که سیاستمداران امریکایی سانسور شدیدی جلوی

افکار عمومی امریکا گذاشته اند و نمیخواهند از
کثرتکارهای خود مردم خبردار باشند چون ملت
امریکا ، ملت انگلیس و ملت فرانسه اینها خودشان
یک ملت آزاده ای هستند ولی این کثافت کارهای
سیاستمداران ایشان میباشد باین جهت عرض کردم وقتی
افکار عمومی امریکا متوجه این سیاست آزادیگشی که
بدست حال درجه سوم سفارت انگلیس صورت گرفت
مطلع بشود خیلی میترسند ما نمیگوئیم جناب آقای
حاج علی رزم آرا رئیس سابق ستاد ارتش عنصر
خوبی است یا عنصر بدی است ما میگوئیم این دولت
دولت قانونی نیست دولت رژیم پارلمانی نیست این
دولت دولت تحمیلی است این دولت شاه مملکت تحمیل
شده است ، این دولت با کثرت نمایندگان مجلس تحمیل
میشود و مجلس سانسور میشود و ملت ایران تحمیل شده است
این دولت تحمیلی است زیرا متضاد و متضاد افکار
و آراء و احساسات عمومی ملت ایران است این
دولت شاه مملکت تحمیل شده است زیرا شاهنشاه
محبوب ما متأسفانه مانند آقای معصومی اسپرچنگال
و پنجه های قهار سیاست های بیگانه است همانطور
که فرمان ریاست وزرانی جناب اشرف سردار سیه
را از احمد شاه گرفتند و تاریخ ثبت شد و نتیجه اش
را هم دیدیم و می بینیم همانطور هم فرمان ریاست
جناب اشرف آقای رزم آرا را از اهل حضرت مهابودی
گرفتند (تیمور تاش - آقا این حرفها چیست
بچه دلیل میفرمائید؟) ثابت میکنم اجازه فرمائید
من ثابت میکنم آقای منصور در سه جلسه قبل در
اینجا وزیر معرفی کرده و در دو جلسه قبل آمادگی
خودش را برای جواب استیضاح گفت این را که
همه شاهد بودید اینها که دروغ نیست روز استیضاح
معین شد صبح دوشنبه گذشته آقای منصور بدر بار شرفیاب
شدند تمام قرائن و امارات نشان میدهند که آقای
منصور خیال زمامداری داشت و الا کسی که میخواهد
فردا برود امروز وزیر معرفی نمیکند و تاریخ استیضاح
را معلوم نمیکند اینها تمام دلیل بر این است که ایشان
میخواستند بنامند دوستان ایشان لابد بخود شما
مراجعه میکردند با مراجعه میکردند برای اینکه
ایشان بر ایشان درست بکنند و ایشان بدانند وزرای
ایشان صبح دوشنبه اطلاع نداشتند مقارن ظهر روز
دوشنبه پنج دقیقه قبل از ظهر باید از ظهر یک شخصی که رفته
بود آقای دکتر سجادی را ملاقات کند توی راهرو
وزارت دارائی وقتی که بیرون می آمدند بایشان
میرسد میگوید من میخواستم شما را ملاقات کنم
میفرمائید تو همینجا بنشین آقای نخست وزیر مرا
خواست الان بر میگردد البته او تا یک بعد از ظهر
می نشیند بعد تلفن میکند که دولت ساقط شد آقای
منصور ساعت ۱۱ یعنی یکساعت بظهر در
دربار استغای هیئت دولت خودشان را تقدیم داشتند
و وزرایش تا ظهر خبر نداشتند هنوز سرکار هستند
ساعت ۱۱ ایشان از طرف هیئت دولت استعفا دادند
این استعفا را از منصور در دربار زور گرفتند و امر

گرفتند که امروز بعد از ظهر رزم آرا را بپوشش
الوزار باشد (دکتر مصدق - منصور صلح هم
کرد رفت آنجا گفت من استعفا میدهم بشرط اینکه
سفارت رم را بن بعبید و آقای جم رای او ریجای
ساحد سفارت رم را هم بن بعبید من باین شرط
استعفا میدهم چندین دفعه حکیمی رفت با شاه
مذاکره کرد بعد تلگراف کردند جم را از رم
خواستند آنوقت منصور راضی شد گفت حالا استعفا
میدهم (نورالدین امامی - جناب رئیس ما که حرفی
نداریم ولی بنده هم حق دارم وسط نطق پنج دقیقه
گزارش بدم؟) (خنده نماینده گان) (زنک
رئیس)
رئیس - آقایان همه نکند آقای دکتر
بقائی بیانات را بکنید .
دکتر بقائی - تیمار سپید رزم آرا در آینه
نزدیکی از این مجلس تقاضای شش ماه اجازت
تام خواهند کرد و این مجلس هم ممکن است بایشان
بدهد بنده بکدام پیش متن فرمان نخست وزیر
رضاشاه قید را که از طرف احمد شاه صادر شده بود
و متن احتمالی فرمان نخست وزیر ایشان را ثبت
کردم کسانی که روزنامه ما را میخوانند لابد دیده اند
که چه طور جور در آمد مخصوصاً میخوانم آقایان دقت
کنند که آنوقت هم چند از آزادیخواهی صحبت شده
حالا بنده چند سطر از بیانات مرحوم رضا شاه را که
بعد از ریاست وزرانی در مجلس نموده اند میخوانم ،
(در نتیجه حسن ظن و احساسات صمیمانه ای که از طرف
عموم آقایان نمایندگان محترم نسبت بنده مرحمت
شد تشکرات خود را تقدیم می دارم از این جمله معلوم
می شود ایشان بنده میگفتند ، من نمیگفتمند (خنده
نمایندگان) و چون تصور نمیکند که دیگر برای پیشرفت
امور و بطن مسامی مانع و رادعی موجود باشد موقع
را مفتاح شده خاطر آقایان نمایندگان محترم را
با اوضاع نامطلوب و وخیم کنونی مملکت متوجه ، بیسازم
و مستعز می دارم که نیت و مقاصد بنده از بدو امروز تمام
دوره زمامداری خود بیشتر متوجه اصلاح قضایای
مملکتی بوده و هیچوقت راضی نشده ام که نظریات
شخصی را ضمیمه مصالح مملکتی بکنم نمایندگان
صحیح است ، صحیح است (نصرانیان - مردم مازندران از
دوره بیست ساله راضی بودند) شما راضی هستید ولی
از هم ولایتیهای خودتان بیسید آنها هم راضی
هستند؟ کی راضی است؟ از آن راهبا بیسید راضی
هستند؟ (نصرانیان - بله راضی هستند) آقایان روزنامه
نویس های یادداشت کنید که آقای نصرانیان گفتند راهبای
مازندران همه شان از دوره بیست ساله راضی هستند
(مکی - آنها هم که صندوق قاچاق داشتند راضی هستند
آنها هم که قاچاقشان در گردک گیر کرده راضی هستند)
(زنک رئیس) گویا ایشان یک وقت نماینده کرمانشاه
بودند حالا از مازندران دفاع میکنند
(این دنباله همان خطابه است صل
رضاشاه قید)

زاده می دانم که در این موقع وارد گزارشات و
جریات هر بشوم زیرا تابع صلیت من هر چه بوده
و هر چه شده را آقایان نمایندگان محترم و عامه
اعالی محترم مسوق میباشند نمایندگان - صحیح است)
خداصلامت بدارد آقای آقاسید یعقوب مرتباً داد میزد
میگفت صحیح است و بعد هم اولین کسی بود که توی
این مجلس گفت ، الضرفی مایه آقایان اینهم یادتان
باشد شما هم آقای نخست وزیر یادتان باشد (زیاد
از یکسال است که خاطر بنده را بخود مشغول داشته
ولی خاطر ایشان را (اشاره با آقای نخست وزیر) تا
آنجا نیکه من اطلاع دارم سه سال است و فوق العاده
متأسفم که در دولت یکسال اعتقاد مجلس شورای ملی و
این وضعیت طبیعی مجال پیدا نشد که کارکنان دولت
و نمایندگان ملت با وحدت فکر قدمهای سریعی که
لازم است برای وصول بمقصود بردارند و بنده امیدوارم
که در این موقع دولت بتواند با استفاده از وحدت نظر
مجلس و کمکهای فکری نمایندگان محترم وارد در
مرحله سعی و عمل گردد نمایندگان : شاه شاه ، حالا
هم همانطور است چون اکثریت هست غیر از ما پنج
شش نفر رجاله هرزه بیهوده رای اعتقاد خواهند داد
(و بالاخره در خانه دادن باین فقره اقتصادی این صحبت
۲۰ سال پیش است) و اوضاع صعی و نیز در بسط
خطوط و ... مخصوصاً در بعضی از سرحدات
مملکت کسب موفقیت کرده و غیر ذلک ملاحظه فرمائید
در آن موقع است حالا مقدمه اش را من نخواستم بگویم
که یک بلوای نانی بود در تهران آن موقع هم فقر
اقتصادی بود حالا هم فقر اقتصادی هست آن موقع
آن فقر اقتصادی را درست صکره بودند حالا هم
این فقر اقتصادی را درست کرده اند اینها یک چیزی نیست
کمن امروزیش این تربیون پیام بگویم اینها را
من یک قسمتش را در یکسال و نیم پیش گفتم ، دوستان من
گفتند و در روزنامه ها نوشته شده است اینها را مراجعه
کنید تمام اینها در تاریخ باقی خواهد ماند متأسفانه
فرصت اینکه وارد در برنامه دولت بشوم ندارم ولی
سؤال میکنم که آیا داشتن برنامه و نقشه منظم تنها
شرط موفقیت است ؟ کدام یک از دولتهائی که تا حال
آمدند برنامه نداشته اند؟ و کدام یک برنامه شان را
اجرا کرده اند؟ تهیه برنامه و نقشه کار مشکلی نیست
و هر دولتی میتواند بکلمه متخصصین فنی و خبرگان
نقشه و برنامه شست و رفته ای برای خود تهیه نماید
همانطور که عرض کردم متأسفانه فرصت نیست که
وارد در برنامه بشوم ولی یک نکته را به آقایان
عرض میکنم که جناب آقای رزم آرا برای قسمت
صده این برنامه خودشان که هم مرکزیت و دسانتر -
لیزاسیون باشد زحمت زیادی کشیده اند برای
این که اگر آقایان بخاطر داشته باشند و اگر بخاطر
ندارند ممکن است بنده بخاطرشان بیارم و مدارک
را نشان بدم که برنامه دسانتر لیزاسیون آنچنان
برنامه ایست که قبل از شهریور انگلیسها میخواستند
در این مملکت اجرا بکنند ، البته توی یک چیزهای
خوب دارد ولی یک چیزهای بسیار بسیار خطرناک هم
دارد که هر کس نمی تواند دست بچین برنامه ای

بزند و من برای برنامه دسانتر لیزاسیون بسیار
نگران هستم . بنده مدارک کثیری دارم مدارک حسابی
دارم که انگلیس هادسه سال پیش میخواستند دسانتر -
لیزاسیون را در این کشور اجرا کنند (دکتر مصدق -
برنامه کمیسیون سه جانبه را هم فرمائید) بلی کمیسیون
سه جانبه هم
رئیس - وقت آقای دکتر بقائی تمام شده
است
مکی - شاهام یک قسمتی از وقت ایشان را
گرفتید
رئیس - من حق دارم همیشه حرف بزنم ،
وقت ایشان تمام شده ولی پنج دقیقه دیگر بایشان وقت
میدهم آقای دکتر بقائی فرمائید
دکتر بقائی - اجرای نقشه و برنامه ای ممکن
نیست مگر با تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی و
امکان اصلاحات و رفورهای ریشه دار و عمیق که
آنها جز از راه حصول اعتماد و اطمینان مردم و افکار
عمومی صورت پذیر نمی باشد این اطمینان و اعتماد
عامه مردم را جناب آقای رزم آرا هیچ قیمت شما
نیتوانید تحصیل بکنید برای اینکه مردمی که می بینند
سرتیب دفتری که آن اهانتها را به آیت الله کاشانی
کرد شب اول نخست وزیری شما ایشان رئیس شهر -
بانی شدند ، دیگر اعتماد شما نمیکند ، شما که
این قدر نقشه کش هستید اذلا یک نفر دیگر را تعیین
می کردید شما که سرتیب و سر لشکر کم نداشتید
(زنک و غضنفری - سرتیب دفتری آدم درستی
است) ولی آقای آیت الله کاشانی رازد
ومثل دزد رفت خانه ایشان و آیه الله را بیرون برد ،
بعلاوه آیه الله کاشانی در نامه خودش مینویسد این خبیث
ملعون دفتری ، این نظر آیه الله کاشانی پیشوای مذهبی
شیعه و نماینده تهران است ، دفتری آدم خوبی است؟
جانی است دفتری وقتی که مثل شما ها پشتیبانش
هستید تکلیفش معلوم است (همه نمایندگان)
رئیس - آقایان ساکت باشید بگذارید
حرفشان را بزنند .
دکتر بقائی - ما منکر تحول و اصلاحات نیستیم
ولی می بینم که چرا این تحول و این اصلاحات بدست
یک دولت غیر قانونی و غیر پارلمانی انجام میگردد گذشته
از آن اصلاحات عمیق و پایه دار یا حکومت هائی که
برخلاف اراده ملت سرکار می آیند و مثل آفتاب روشن
است که تابع سیاستها و مصالح بیگانه اند صورت پذیر
نیست ، اصلاحات و تحولات بدست دولتی تحقق پذیر
است که متکی با اعتماد و اطمینان و مهر و محبت عمومی
و عامه مردم باشد و اراده و حسن نیت مردم را بخود
جلب نماید ولی همانطور که عرض کردم شما نمیتوانید
این اعتماد را جلب کنید و چون برای تحولات و
اصلاحات مجبور هستید که بتعهد خود وفا کنید چنانچه
که اراده ملت پشتیبان شما نباشد مجبور خواهید شد
که اعمال زور کنید ، مجبور خواهید شد که آزادی
را از بین ببرید و آن وقت بشما همان رسد که بهمه
دیکتاتورهای دنیا رسیده و میرسد و خواهد رسید

این کشور هم میباید و میباید
کار بکنند هر یک دزد و وطن فروش و خائن مستند
هیچ قدرنی اگر احترام این تربیون را نگاهدارند
سهمه رزم آرا با این لباس که مهمل است اگر لباس
نظامی هم بیوشد و ششیرش را از رو بپندد اگر
دیکتاتور شد باید از اینجا بیرونش کنیم بشرط اینکه
من و شما حرمت مجلس را نگاهداریم (دکتر شایگان -
مجلس معتزم است) و بگوئیم که همه چیز مغض
این مجلس است (آزاد) - کسی غیر از این حرف
چیزی نمیگوید (آقا بیانات آقای دکتر بقائی حاضر
است بکی ابقاه کرد) (دکتر بقائی - آقای رئیس
ماده نمود - تعریف نکند) ماده ۹۰ برای آقا محفوظ است
شما ادعا میکنید که جان خودتان را در راه این مملکت
حاضرید فدا کنید (آزاد - حاضریم فدا کنیم نه مفت)
چندتا وزیر میخواهید آقای آزاد همیشه همینست که
مفت جانتانرا حاضر نیستید فدا کنید اگر حاضر بشوید
فقط برای بقای این آب و خاک و برای مصالح ملت
ایران فدا کنید چنانکه کردند (دکتر بقائی - آنها
مفت میبرند که پس از هفت سال آمیول هوا در
دوره دیکتاتوری بایشان میزنند) بزرگترین فداکاری
در راه مملکت کف نفس است (نورالدین امامی -
آقای تیمورتاش داد نزن دیگر کافی است) (خنه
حضار) بر دیده من خندی کاینجا زجه میگرد -
خندند بر آن دیده کاینجا نشود گریان (نورالدین
امامی - آتقدر جوش نزن هعبانی نشو - خوب گریه
کن تا ما بخندیم) (آزاد - کف نفس را توضیح
بدهید) خوب گفتید گریه من فریاد است نه اشک
(آزاد - آقا خواهش میکنم کف نفس را توضیح
بفرمائید) شما که حاضرید فداکاری بکنید جانتانرا
بدهید پس چرا آتقدر فریاد میکنید بگذارید جان
ناقابلتان برود (دکتر شایگان - دکتر بقائی -
جان ناقابل باید در راه آزادی برود) (مکی - ما
باکی نداریم) (دکتر بقائی - جان ناقابل مستغنی
دیکتاتوری را در حبس خواهند گرفت) شما آقایان
کاری میکنید که باب هر گونه رهائی را بروی این
مملکت بیندید بجهت اینکه وقتیکه شما خودتان
را وکیل ملت میدانید و شما ادعا کنید که دولتی که
سرکار آمده است شرکت نفت آورده و یا سیاست
امریکا آورده از شما سؤال میکنم که چطور این
دولت میتواند استیفای حق ایران را بکند (مکی -
دکتر بقائی - نمیتواند برای همان هم مخالفیم ما هم
میدانیم) استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت
یکی از مصائب و دشواریهایی است که ملت ما با آن
رواچه است (دکتر بقائی - اصل این دولت بفتح شرکت نفت تمام

کیم آقا بیانات فرمودید که چراید امریکایی
تولیف آقایان را منتشر نکرده بودند ولی من میدانم
که مسترد در همان ستر دوهری که شوازش صحبت
میکنید برای شما در حبس تهنه فرستاده است (مکی
تکذیب میکنم برای آقای حجازی بود) (دکتر بقائی -
تکذیب میکنم) (مکی - بجایا کده است فرستاده)
دکتر بقائی - آقای رئیس باید ایشان حرفشان را
پس بگیرند (زنک رئیس) والا اعلام جرم میکنم
رئیس - پیشنهاد تنفس از آقای نبوی رسیده
است که ۱۰ دقیقه تنفس داده شود.
دکتر بقائی - دوهی برای نخست وزیر
رزم آرا یادونی میکرد (آزاد - پدتر خائن بود تو
خودت خائنی - ییشرف خائنی)
مکی - حرف را باید پس بگیریم
دکتر شایگان - مؤخر
مکی - اجازه ندهید آقای تیمورتاش که
من آنچه دارم بگویم تمام روزنامهها نوشتند برای
مدیر روزنامه وظیفه بود.
تیمورتاش - اجازه بدهید عرض کنم.
رئیس - آقای نبوی (مکی - مخالف)
نبوی عرض کنم هوا گرم است و جمعیت
زیادی هم در سالن نشسته است و ناطق محترم تا
حدی خسته شده اند (تیمورتاش - تغییر قربان -
خسته نشده ام) و معمولاً وسط جلسه تنفس داده میشود
این است که تقاضا میکنم ده دقیقه تنفس بدهید و بعد
برگردیم.
دکتر بقائی - باید ایشان این حرف را
پس بگیرند.
مکی - بنده با تنفس مخالفم.
تیمورتاش - اجازه بدهید توضیح بدهم
هنگامی که جناب آقایان در زندان تشریف داشتید
گفته شد حتی در روزنامه ها هم نوشته (مکی - که
خوروند - غلط کردند خیلی بیجا کردند نوشتند)
ای بابا اجازه بدهید در روزنامه ها نوشتند برای کسانی
که در زندان بودند مقادیری آجیل فرستاده شد من
نمی دانم برای آقایان بوده است یا خیر (مکی - برای
ما فرستادند) عرض کردم برای شما فرستادند
خدا را شکر (دکتر بقائی - بگوئید حرفی که زده ام
پس می گیرم) طبیعی است که چون برای شما نبوده
پس میگیرم (آزاد - احسنت) (دکتر مصدق - احسنت)
بنده هیچوقت از تراکت خارج نمی شوم (دکتر بقائی -
حرفتان را پس بگیرید) خدا یا مگر باچه زبان مسترد
کنم اگر برای شما نبوده طبعاً مسترد می دارم
(زنک رئیس)

مطلق المنان انگلیس میشود آیا جز این است که
تمام اختیارات بدست ترومن داده می شود بنده فقط
یک چیز از شما و از ملت ایران و از مجلس ایران
میخواهم و آن این است که تمام این مصائبی که در
ظرف این ۸ سال و ۹ سال کسمی کردم تشریح
کنم برای مارخ داده بآوردن اینها فقط و فقط
ببوجب همان خطری که نزدیک است بیاید دست
بدست هم بدهید دست اتحاد و اتفاق دست یگانگی
و دست برادری بهم بدهید من هم بشما عرض میکنم
که اگر این خطری که من پیش بینی میکنم و خدا
نکند که برسد بیاید نه من میمانم و نه تو (دکتر
بقائی - بعد ۵۰۰ هزار تومان اولاد شما پیشنهاد
خواهند کرد و بچه شما قوطی سیگار طلای شما را به
رهن بانک میگذازد) اولاد من این عزت نفس را دارد
که قبول نکند اولاد من هم خون مرا دارد بیاید و

برای و غلامت اوضاع دست از این سر بردارند
دیگر این ملت بیچاره بیش از این بدبخت و برهنه و
هریان نشود که حتی شاه مملکت بگوید سلطنت بر
این ملت هریان انتخاری ایست ما هم این جور سنگ
رهبری این ملت را بسینه نزنیم (مکی - دیکتاتوری
تعامل کنیم) (احسنت)
نورالدین امامی - جناب رئیس شب
جمعه است
۴ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد
ختم جلسه
رئیس - ۷ دقیقه باخر وقت مانده با اجازه
آقایان مجلس را ختم میکنم جلسه یکشنبه خواهد
بود دستور قبیه برنامه
در این موقع هفت دقیقه بمداز ظهر
(مجلس ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

تیمورتاش - بنون موافق ناگزیر باید جواب
مخالف را بدهم ۱۰ قربان بنده مقاله نوشته ام
نطق و خطابه هم تهیه نکرده ام در مقابل مخالفت
ناگزیر هستم صحبت کنم شما قربان حتی حرمت
شاه کشور را یعنی سبیل استقلال را یعنی نشانه و نمونه
یگانگی این کشور را محترم نشمرده اید شما الان
میگوئید که رزم آرا میخواهد دیکتاتوری بکنند
گوئید که شاه را مجبور کردند دکتر بقائی - بسی
همانطور که احمدشاه را مجبور کردند ما میخواهیم
شاه مملکت را حفظ کنیم نمیخواهیم که از این مملکت
بیرون بروند
رئیس - آقای دکتر بقائی من بشما اخطار
میکنم
تیمورتاش - من میدانم این سیاست
تخریب چیست من میدانم این سیاست که
میخواهند مرا بجان هم بیندازد چیست میگوئید است
نفت میگوئید سیاست مرموز است و چه بسا اینطور
باهدنم میدانم صحبت از امریکا فرمودید از انگلیس
گردید از مداخله کشورهای خارجی در این مملکت
فرمودید شما که اهل علم و فضل هستید شما که
سیاستمدار هستید شما که داعیه رهبری میکنید چه خوب
است یک قدری هم توجه بکنید که چنگ گذشته چه تمولاتی
از نقطه نظر سیاست بوجود آورده است (دکتر بقائی -
توجه کرده ایم) اگر توجه کرده باشید می دانید که
هیچ کشوری ولو قویترین ممالک بتنهائی نمیتواند
استقلال خودش را حفظ کند (کشاورز صدر - پس
چکار باید بکنند) توجه بفرمائید (مکی - چینی ترانست
حفظ کند) هیچ کشوری و حتی انگلیس و فرانسه و بلژیک
هم نتوانستند بتنهائی عرض اندام بکنند و پر مشکلات
فائق بیایند چه بسا ما هم ممکن است تا اندازه ای که
از حدود بیطرفی تجاوز بکنیم ناگزیر باشیم که تا
اندازه ای سبائی خودمان را نسبت بدول دیگر حفظ